



# خلاصہ کتاب احادیث ساختگی ایت اللہ میلانی

استاد مشاور : حجت الاسلام والمسلمین استاد مہدی احمدی

گرد اورندہ : سید محمد سیدی

آذر ۱۴۰۲

موسسہ بیان معرفت

## چکیده

در زمان معاصر که از بیانات پیامبر صل الله علیه و اله و سلم و اهل بیت علیهم السلام دور هستیم راهی جز تمسک به مکتوبات به جای مانده نداریم. در این بین گاهی ممکن است منبعی، روایاتی را به دروغ به ال الله نسبت داده باشد. لذا باید روایات مورد بررسی قرار گیرند تا صحیح از سقیم مشخص شود. در قرون متمادی در این باره کتاب ها و مقالات بسیاری توسط اهل علم نوشته شده است. در این نوشتار از کتاب احادیث ساختگی ایت الله میلانی ره بهره مند شدیم و در قالبی مختصر آن را ارائه خواهیم داد تا راحت تر مورد استفاده ی عموم قرار گیرد. در انتهای مطالعه این خلاصه خواهیم دانست، مجموعه روایاتی که نام خلفا و امام علی علیه السلام در آنها به ترتیب خلافتشان آمده و برای خلفای سه گانه، مرتبه ای بالاتر از امام علی علیه السلام بیان شده است، تماما کذب و ساختگی هستند، و نیت این کار، یا خصومت با مولا علی علیه السلام بوده و یا ایجاد فضیلت جعلی برای خلفا است که به ضعف آن خواهیم پرداخت.

## کلید واژه

حدیث - ساختگی - راوی - ضعیف السند - صحاح سته - امیر المومنین علی علیه السلام

## مقدمه

در طول تاریخ برخی از افراد برای بالا بردن جایگاه صحابه دست به جعل احادیث زده اند. در زمان بعد از رحلت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله افرادی بودند که ارادت بسیاری نسبت به صحابه داشتند اما شخصیت آن صحابه را خالی از فضایل و مقامات معنوی میدیدند، به همین جهت شروع به جعل روایاتی در مدح آنان کردند. و چون جایگاه پیامبر اسلام در بین مسلمین بلند و قابل احترام بسیار بود، ایشان را منبع نقل این احادیث جعلی قرار داده و از آن بزرگوار احادیثی را نقل کردند. اکنون بر هر محقق لازم است که بداند چه روایاتی اینگونه جعلی داشتند تا مانع از انحراف افکار شوند. از سده های اخیر زحمات بسیاری از سوی اهل علم در این مسیر رقم خورده است که در اینجا از کتاب احادیث ساختگی ایت الله میلانی ره استفاده کردیم و در قالبی مختصر در معرض استفاده ی عموم قرار داده ایم.

## خلاصه کتاب احادیث ساختگی ایت الله میلانی (ره)

تقریبا تمام روایاتی که در باره فضیلت خلفا آمده و نام آنها را به ترتیب بیان میکند، و به نحوی همراه بودن پیامبر ص با خلفا در انجام امری یا در راه و مسیری میرساند ساختگی اند. مخصوصا آن احادیثی که پیامبر ص در آنها اینطور میفرمایند که من همراه ابوبکر عمر عثمان رفتم، من همراه با ابوبکر و عمر عثمان امدم یا خارج شدم و... . مطلب قابل

توجه این است که گاهی اوقات این روایات را از زبان امیرالمومنین ع بیان میکنند تا ان فضائل ساختگی را از زبان امیر المومنین ع اثبات کنند و دیگر کسی نتواند منکر ان بشود .

اینک ما به ۱۴ روایت میپردازیم و انها را بررسی خواهیم کرد.

۱. **حدیث مژده ی بهشت**: روایتی است که بخاری و مسلم این حدیث را آورده اند و در بیان فضائل

خلفای سه گانه میباشد.

روایت به نقل **ابوموسی اشعری** به این مضمون است:

روزی از خانه با وضو خارج شدم با این نیت که امروزم را با رسول خدا ص بگذرانم و به سمت مسجد سراغ حضرتش را گرفتم و آگاه شدم که ایشان در اب انبار هستند و دیدم که پیامبر ص وضو گرفتند و بر وسط دیواره ی اب انبار لباسشان را تا ساق بالا داده اند و نشسته ، پایشان را داخل اب چاه قرار داده اند من هم رفتم و سلام کردم و در کنار درب اب انبار نشستم و گفتم امروز دربان حضرت خواهم بود ، در همین حال دیدم که درب به صدا در آمد و ابوبکر بود و اذن دخول میخواست ، به پیامبر ص گفتم و ایشان گفتند : اجازه بده و او را به بهشت مژده بده ، من هم رفتم همین کار را کردم و ابوبکر آمد و سمت راست پیامبر ص نشست و مثل ایشان لباسش را تا ساق بالا داد ، اینجا با خودم گفتم اگر خداوند خیر فلانی [یعنی عمر] را بخواهد او را هم خواهد آورد، بعد لحظاتی دیدم درب تکان خود و عمر پشت درب بود و اذن دخول میخواست به پیامبر ص گفتم و ایشان اجازه دادند و گفت که او را به بهشت مژده بده ، او آمد و سمت چپ پیامبر ص با همان حالت ایشان لباسش را تا ساق بالا داد نشست و اینجا من با خودم گفتم اگر خداوند خیر فلانی را بخواهد [یعنی عثمان] او را به اینجا خواهد آورد، لحظاتی بعد دیدم درب به صدا درآمد و عثمان اذن دخول میخواست و به پیامبر ص گفتم و ایشان اجازه دادند و گفتند که او را بخاطر مصیب هایی که بر او وارد میشود به بهشت مژده بده و او هم آمد و مثل پیامبر ص و همان شکل ولی روبروی آنها بر روی دیواره ی اب انبار نشست<sup>۱</sup>

بررسی راویان حدیث:

یکی از سلسله روات این روایت در بخاری **شریک بن ابی نمر** و **ابو اسامه** و در مسلم نیز **عثمان بن غیاث** است.

درباره ی **شریک بن ابی نمر** باید بگوییم که هرچند که ابن معین روایات او را قبول دارد ولی دیگر راوی شناسان او را قبول ندارند و نظراتی دارند که عدم اعتبار نقل روایت از او را میسراند مثل:

- **ذهبی** بعد نقل این حدیث میگوید: این حدیث از عجایب صحیح بخاری است.
- **ابن حزم** او را بخاطر نقل حدیث معراج ضعیف میشمرد.

۱. (صحیح بخاری ۱۳۴۲/۳ حدیث ۳۴۷۱ و ۱۳۵۰/۳ حدیث ۳۴۹۰ و صحیح مسلم ۱۹/۵ حدیث ۲۴۰۳)

• **ابن عدی** میگوید که اگر راوی مورد اعتمادی از او نقل کند روایت او مورد اعتماد خواهد شد.<sup>۲</sup> (یعنی در غیر این صورت اعتباری ندارد)

دیگر راوی این حدیث **عثمان بن غیاث** است که بسیاری از راوی شناسان روایاتش را قبول ندارند مثل :

- **دوری** از **ابن معین** نقل میکند که **یحیی بن سعید** احادیث او را در مورد تفسیر ضعیف میداند
- **اجری و احمد بن حنبل** اشاره به این میکنند که او طرفدار مرجئه بوده.<sup>۳</sup>

**ابواسامه** هم از سلسله روات این حدیث است که بسیاری از علما نظر غیر قابل اعتمادی داده اند مثل:

- **ازدی** به نقل از **معیطی** میگوید که او بسیار تدلیس میکند.
- **ابن سعد** میگوید : وی تدلیس میکند و تدلیس او روشن است.<sup>۴</sup>

۲. **روایت دیدار در خانه** نمونه ای دیگر است که مسلم نیشابوری در کتابش آورده و در بیان فضیلت عثمان

میباشد ، مضمون روایت به این شرح است:

روزی پیامبر در خانه، رو انداز عایشه را پوشیده بودند و در حال استراحت بودند که ابوبکر آمد و اجازه خواست که پیامبر ص با همان حالت اجازه دهند و حاجتش را روا کردند و بعد او عمر آمد ، که او هم پیامبر ص را در همان حالت ملاقات کرد و حاجتش روا شد تا اینکه عثمان آمد ولی پیامبر ص از عایشه خواست تا لباسش را مرتب کند و وقتی پرسیدند که چرا برای ابوبکر و عمر اینکار را نکردید و به همان حالت آنها را ملاقات کردید بر خلاف عثمان، ایشان فرمودند زیرا عثمان فردی بسیار با حیا است و بیم آن داشتم که از گفتن حاجتش با من امتناع کند.<sup>۵</sup>

بررسی راویان حدیث:

در راویان این روایت نام **عقیل بن خالد** وجود دارد و علمای رجال از او به بی ثباتی روایاتش نام برده اند، مثلاً:

- هرچند **ابو حاتم** درباره او میگوید :حافظ حدیث نبود ، صاحب کتاب و راستگو بود
- اما **یحیی قطان** او را در نقل حدیث ضعیف میداند<sup>۶</sup>

<sup>۲</sup> میزان الاعتدال ۳ / ۳۷۲

<sup>۳</sup> تهذیب التهذیب ۱۲۹/۷

<sup>۴</sup> میزان الاعتدال ۳۵۷/۲

<sup>۵</sup> ص مسلم ۱۸/۵ حدیث ۲۴۰۲)

<sup>۶</sup> میزان الاعتدال ۱۱۱/۵)

بعلاوه **ابن شهاب زهري** از راویان این حدیث است که دشمن مولا است و به همین سبب در مدح خلفا جعل حدیث میکند

، مثلا:

- **جریر بن عبد الحمید** از **محمد بن شیبه** نقل میکند به این مضمون: روزی او را در مسجد دیدم که از علی بد میگفت و این خبر به گوش **امام سجاد ع** رسید و ایشان با لحنی تند بر او غضب کرد.
- **ابن عبدالبر** نیز با بیان روایاتی از **زهري** که در آن «شخصی غیر امام علی ع را اولین مسلمان میخواند، بسبب دشمنی»، میرساند که **زهري** سابقه ی نقل روایت دروغ را در سابقه اش دارد<sup>۲</sup>
- او دشمنی با اهل بیت ع را تا جایی برده که از **عمر بن سعد ابی وقاص** که قاتل **امام حسین ع** بوده روایت نقل میکند با اینکه چنین شخصی نمیتواند ثقة باشد<sup>۳</sup>
- همچنین به جهت غرق دنیا شدنش و پی مقامات حکومتی با سلاطین ظلم بودن **زهري** ، **امام سجاد ع** نامه ای به او نوشت و او را نصیحت و از ناراحتیشان آگاه کرد<sup>۴</sup>

+ لذا این روایت هم فاقد اعتبار است .

۳. **حدیث سخنی با کوه حرا** روایت ساختگی بعدی است که مسلم در صحیحش بیان میکند بدین مضمون: روزی پیامبر ص در کوه حرا بودند که ناگاه کوه شروع به حرکت کرد و پیامبر ص فرمودند که آرام باش که روی این کوه کسی نیست مگر پیامبر یا صدیقی یا شهیدی ..... و روی آن کوه ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص بودند.<sup>۱۰</sup>

بررسی متن حدیث :

- اینکه بیان اسامی خلفا به ترتیب در متن این روایت از زبان پیامبر ص نبوده و جعل شده / بعلاوه که این حدیث نیت دارد که صفت صدیق را برای **ابوبکر** و صفید را برای همه ی ان افراد دیگر در حدیث اثبات کند.
- اینکه **سعد** که اینجا عنوان شهید میگیرد به مرگ طبیعی در قصرش فوت میکند لذا در روایت قبل این ، **مسلم** اسم سعد را نمی آورد پس متن حدیث اشکال دارد.<sup>۱۱</sup>

(۲) الاستیعاب ۱۱۷/۲ شرح حال زید حارثه )

(۸) الکاشف ۳۰۱/۲ شرح حال عمر بن سعد)

(۹) تحف العقول عن ال الرسول ۲۷۴-۲۷۷)

(۱۰) صحیح مسلم ۳۳/۵ حدیث ۲۴۱۷)

(۱۱) رک : الشفا و شرح ان نسیم الریاض ۱۹۲/۳

بررسی راویان حدیث:

اسماعیل بن ابوالیس از روات این روایت است ، نظر علما را درباره وی می آوریم:

- یحیی بن معین میگوید که او و پدرش به سرقت حدیث میپردازند
- دولابی از نصر بن سلمه مروزی نقل میکند که گفت: ابواویس بسیار دروغ گو است.<sup>۱۲</sup>
- ابراهیم بن جنید از یحیی نقل میکند که او دروغ پرداز و به هیچ عنوان معتبر نیست.<sup>۱۳</sup>
- و علمایی دیگری که اعتبار این راوی و به ترتیب اعتبار این حدیث را زیر سوال میبرند. پس این حدیث هم فاقد اعتبار است.

۴. روایت جعلی بعدی حدیث **سخنی از پیامبر ص در بیماری** است که در سنن ابن ماجه در فضیلت عثمان آمده ، با این مضمون:

عایشه میگوید: روزی پیامبر ص در بستر بیماری بودند و فرمودند که دوست دارم الان یکی از اصحابم در کنار من باشد و من از ایشان درباره ی حضور ابوبکر و عمر پرسیدم ولی ایشان سکوت کردند تا آن که از عثمان پرسیدم و ایشان فرمودند : آری ، عثمان را صدا زدیم و آمد و با پیامبر ص شروع به صحبت کرد که در همین حین چهره اش تغییر کرد / قیس بن ابوحازم میگوید که غلام عثمان میگوید که عثمان گفته که پیامبر ص در یوم الدار به من عهدی را فرمودند که من به سوی آن حرکت میکنم / در اینجا قیس میگوید که اعتقاد میروود منظور همان روز کشتن عثمان باشد.<sup>۱۴</sup>

بررسی و نقد حدیث:

- یکی از راویان این حدیث قیس بن ابوحازم است که ابن حجر در موردش میگوید: آنچه از او معروف است مقدم کردن عثمان بر علی ع است و برای همین کوفیان قدیم از او حدیث نقل نمیکردند<sup>۱۵</sup>
- همچنین جلال الدین سیوطی در بخشی از کتابش ، اسامی افرادی که متهم به بدعت هستند و بخاری یا مسلم از آنها روایت نقل کردند را می آورد و درباره او میگوید : او به دشمنی با علی ع متهم است<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۲</sup> میزان الاعتدال ۳۷۹/۱

<sup>۱۳</sup> تهذیب التهذیب ۲۸۰/۱

<sup>۱۴</sup> سنن ابن ماجه ۱۲۹/۱ حدیث ۱۱۳

<sup>۱۵</sup> میزان الاعتدال ۴۷۶/۵

<sup>۱۶</sup> تدرب الراوی ۲۷۸/۱

۵. و یکی دیگر از روایات ساختگی روایت فضائل ناشناخته است که اینگونه مضمونی دارد:

پیامبر ص فرمودند: ابوبکر مهربان ترین شخص امت من، عمر سخت گیر ترین امت من در امور الهی، عثمان باحیاط ترین فرد امت من، معاذ بن جبل دانا ترین در حلال و حرام، زید بن ثابت داناترین در احکام ارث، و ابی بن کعب فصیح ترین قاری است، و هر امتی امینی دارد و امین امت من ابو عبیده جراح است.

بررسی حدیث و راویان آن :

• این روایت با سند های متفاوتی از **ترمذی** و **ابن ماجه** و **حاکم نیشابوری** روایت شده که در اینجا چند تن از راویان آنها را بررسی میکنیم.<sup>۱۷</sup>

از راویان سند **ترمذی خالد حذاء** است که ابوحاتم درباره اش میگوید به حدیث او احتجاج نمیشود.

- **عقیلی** میگوید از احادیث او برای ابن علی خواندم و او احادیث او را تضعیف کرد و توجهی نکرد.<sup>۱۸</sup>
- دیگر راوی سند ترمذی **قتاده** است که مشهور به تدلیس بوده
- و همچنین شعبی درباره او میگوید که احادیث صحیح را با غیر صحیح مخلوط میکرد.<sup>۱۹</sup>
- از دیگر راویان این حدیث **ابوقلابه عبدالله بن زید** است که مولا علی ع را دشمن میدانست و به ایشان بی ادبی میکرد از ایشان روایتی نقل نکرد.
- بعلاوه که او در نظر همگان معروف به تدلیس بوده .
- و از دید مردم از ابلهان بوده.<sup>۲۰</sup>

طبق چند خطی که گذشت تکلیف راویان **ابن ماجه** هم معلوم میشود.

- بعلاوه که این روایت بطور مرسل آورده شده.
- همچنین راوی این حدیث **انس بن مالک** است که به دروغگویی مشهور است.

واز راویان سند **حاکم نیشابوری محمد بن یزید رهاوی** است که **ترمذی** هم می گوید که در نقل حدیث ضعیف است و قابل اعتماد نیست.<sup>۲۱</sup>

<sup>(۱۷)</sup> سنن ترمذی ۴۳۵/۵ کتاب مناقب حدیث ۳۸۱۶ و ۳۸۱۵ ، سنن ابن ماجه باب فی فضائل اصحاب رسول الله ۱۶۱/۱ حدیث ۱۵۴ و ۱۵۵ ، المستدرک الصحیحین ۶۱۶/۳ کتاب معرفه الصحابه حدیث ۶۲۸۱)

<sup>(۱۸)</sup> تهذیب التهذیب ۱۱۰/۳

<sup>(۱۹)</sup> تهذیب التهذیب ۳۰۷/۸

<sup>(۲۰)</sup> میزان الاعتدال ۱۰۳/۴

<sup>(۲۱)</sup> میزان الاعتدال ۳۷۲/۶

- راوی دیگر این سند، **کوثر بن حکیم** است که **بخاری** احادیث او را ناشناخته می داند.
- احمد بن حنبل احادیث او را باطل میدانند.
- ابن معین میگوید او بحساب نمی آید.<sup>۲۲</sup>

لذا از نتیجه ی بحث فهمیده میشود که این روایت اسناد مذکوره اش اعتباری ندارند .

۶. اما ششمین از احادیث ساختگی ، حدیث **خلفا و ساخت مسجد پیامبر ص** است که مضمون روایت بدین شرح است:

روزی پیامبر ص برای ساخت مسجد سنگی را برداشت و بعد ایشان ابوبکر سنگی را برداشت و بعد ان عمر و بعد او عثمان چنین کردو عایشه اینجا به رسول خدا گفت ایا نمیبینید که چطور به شما کمک میکنند؟ پیامبر ص هم در جواب گفتند که اینا خلفای بعد از من هستند<sup>۲۳</sup> ...

این روایت را حاکم نیشابوری آورده که از نظرش صحیح است ولی بخاری و مسلم ان را ذکر نکردند.

بررسی سند :

- از راویان این حدیث فقط **احمد بن عبد الرحمان بن وهب مصری** را ذکر میکنیم که **ابن عدی** میگوید همه بزرگان نقل حدیث او را ضعیف میدانند.
- **ابن یونس** میگوید نمی توان به روایاتش استدلال کرد.<sup>۲۴</sup>

بررسی متن :

• این حدیث نمیتواند صحیح باشد زیرا **عایشه** در ان زمان اصلا ازدواج نکرده بوده بلکه در خانه پدرش زندگی میکرد.

• بعلاوه **ذهبی** بعد نقل حدیث حاکم نیشابوری میگوید : **احمد بن عبد الرحمان** احادیثی ناشناخته نقل میکند و مسلم برای آوردن احادیث او نکوهش شده و **یحیی** هم با اینکه ثقة است ولی از نظر نقل حدیث ضعیف است.<sup>۲۵</sup>

۷. روایت بعدی که ساخته ی ذهن راویان اهل سنت است **روایت رؤیای رسول ص** است که مضمون ان چنین روایت میکند :

<sup>۲۲</sup>المیزان ۵۰۴/۵

<sup>۲۳</sup>المستدرک علی الصحیحین ۱۰۳/۳ کتاب معرفه الصحابه حدیث ۴۵۳۳ )

<sup>۲۴</sup> میزان الاعتدال ۲۵۳/۱

<sup>۲۵</sup> تلخیص المستدرک علی الصحیحین ۹۷/۳



جابر بن عبدالله میگوید: رسول خدا فرمودند که امشب مرد صالحی در خواب به من نشان داد شد و ابوبکر به پیامبر ص متصل بود و عمر به ابوبکر و عثمان به عمر متصل شده بود و جابر میگوید وقتی بیرون آمدیم گفتیم که ان شخص صالح خود پیامبر ص بودند و ان اتصال ابوبکر و عمر و عثمان به ایشان نشانه ی رسالتی است که از رسول خدا به انها میرسد<sup>۲۶</sup>

بررسی حدیث:

- حاکم در پایان حدیث میگوید سندی صحیح از ابوهریره وجود دارد ولی **بخاری و مسلم** ان را نیاورده اند.
- **حاکم** این حدیث را با سندی دیگر می آورد و از نقل **دارمی** میگوید **یحیی بن معین** گفته سند این حدیث از **محمد بن حرب** است و مردم از زبان او احادیث مرسل را روایت میکنند.<sup>۲۷</sup>

۸. روایت بعدی حدیث **خلفا هم سنگان امت** است :

پیامبر ص میفرمایند شبی در خواب دیدم که من در یک کفه ی ترازو هستم و امتم در کفه ی دیگر و من هم سنگ امتم بودم ، سپس ابوبکر را در یک کفه ی ترازو دیدم و امت را در طرف دیگر ان و او هم سنگ با امتم بود ، و ماجرا را بر ابراعمر و عثمان هم مشاهده کردم تا اینکه ترازو برداشته شد.<sup>۲۸</sup>

## بررسی روایت

- یکی از راویان حدیث **هیثمی** است که بعد از نقل روایت در باره ی **عمر بن واقد** که یکی از راویان این حدیث است میگوید روایات او متروک است و همه علما روایاتش را ضعیف میدانند.
- همچنین **بخاری و مسلم** می آورند که او روایات ناشناخته نقل میکرد.
- **ابو حاتم** نیز روایات واقد را ضعیف و ناشناخته میشمرد.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۶</sup> سنن ابوداود ۲۱۳/۳ کتاب سنه باب فی خلفا حدیث ۴۶۳۶ المستدرک علی الصحیحین ۷۵/۳ کتاب معرفه الصحابه حدیث ۴۴۳۹)

<sup>۲۷</sup> المستدرک علی الصحیحین ۱۰۹/۳ کتاب معرفه الصحابه حدیث ۴۵۵۱)

<sup>۲۸</sup> متقی هندی از طبرانی از معاذ بن جبل در کنز العمال ۲۹۵/۱۱ کتاب الفضائل ، باب ذکر الصحابه وفضلهم ، حدیث ۳۳۱۱۴)

<sup>۲۹</sup> تهذیب التهذیب ۹۷/۸

۹. دیگر روایت ساخته شده حدیث **خلفا و فرمان خدا** است:

پیامبر ص فرمود: خداوند به من فرمود که ۴ تن از اصحابت را دوست داشته باش و گفت: من ابوبکر و عمر و عثمان و علی (علیه السلام) را دوست میدارم.<sup>۳۰</sup>

## بررسی راویان

**سلمان بن عیسی سجزی** از راویان این حدیث است که نظر عالمان حدیثی را درباره ی او بررسی میکنیم:

- **جوزجانی**: دروغگویی او بر همه اشکار است.
- **ابوحاتم**: او دروغ گو است.
- **ابن عدی**: سلیمان حدیث جعل میکند.<sup>۳۱</sup>

۱۰. حدیث ساختگی **خلفا و مژده بهشت پیامبر ص** که در کتاب جلال الدین سیوطی آمده:

روزی پیامبر ص در باغی بودند که شخصی آمد و در زد پیامبر ص به انس فرمود درب را باز کن و به او مژده ی بهشت و خلافت بعد از من را بده ، او رفت و دید که ابوبکر است و او را مژده به بهشت و خلافت داد، بعد او دیگری درب را کوبید و پیامبر ص گفتند درب را باز کن و او را مژده به بهشت و خلافت بعد از ابوبکر بده او رفت و دید که عمر است و او را مژده داد، بعد او درب کوبیده شد و پیامبر ص فرمودند برو و او را مژده به بهشت و خلافت بعد عمر بده و بگو که کشته خواهد شد، انس رفت و دید که عثمان است.<sup>۳۲</sup>

بررسی راویان حدیث:

- خطیبی: . . .
- **صقر بن عبدالرحمن بن بنت مالک بن مغول** معروف به **ابوبهز** از راویان این حدیث است که **ابن عدی** درباره اش میگوید هرگاه از او حدیث میگفتیم **ابویعلی** به ضعیف بودن آنها اشاره میکرد .

<sup>۳۰</sup> (متقی هندی در کنز العمال به نقل ابن عساکر از ابن عمر ، کنز العمال/۱/۲۹۳ باب ذکر الصحابه و فضلهم حدیث ۳۳۰۹۹)

<sup>۳۱</sup> میزان الاعتدال ۳/۳۰۸

<sup>۳۲</sup> (جلال الدین سیوطی در الخصائص الكبرى ۲/۴۳۸ سیوطی از ابویعلی ، بزار ، ابونعیم اصفهانی از انس )

- **ذهبی** هم علاوه بر بیان مطلب ابن عدی، میگوید ذهبی همچنین این حدیث را دروغ میدانند.<sup>۳۳</sup>
- **ابن حجر** هم از دیدگاه ذهبی پیروی میکند و میگوید از این حدیث حقیقت داشت عمر مساله خلافت را به شورا واگذار نمیکرد.<sup>۳۴</sup>

۱۱. حدیث **پدر پیامبر ص** دیگر روایت ساختگی و دروغین است که **ابن اخی تبوک**، **ابن عساکر** و **خطیب بغدادی** در کتب خودشان آورده اند:

پیامبر ص به حضرت علی ع فرمودند که خداوند مرا امر کرده تا ابوبکر را پدر خود و عمر را مشاور، عثمان را تکیه گاه و تورا پشتیبان خود انتخاب کنم.<sup>۳۵</sup>

دیدگاه علما:

- دیدگاه **خطیب بغدادی**: او پس از نقل روایت میگوید این حدیث بسیار ناشناخته است و فقط ۲ نفر که بسیار ناشناخته اند آن را با آن سلسله سند نقل کردند، بنام **ضرار بن سهیل و غباغبی**.<sup>۳۶</sup>
- **ابن جوزی** هم در کتاب الموضوعات این روایت را با سلسله سندی ک **ضرار بن سهیل** را شامل میشود آورده، پس از آن دیدگاه خطیب بغدادی را همانگونه که ذکر شد نقل میکند.<sup>۳۷</sup>
- **ذهبی** هم درباره این سند میگوید: **ضرار بن سهیل** خبر باطلی را نقل کرده؛ نمیدانیم این حیوان کیست.
- همچنین **ابن حجر عسقلانی**، مثل ذهبی، غباغبی را یکی از دو راویان ناشناخته معرفی کرده است و در پایان میگوید: بنظر من عباغبی معروف است ولی در معروفیت ضرار شک و تردید وجود دارد.<sup>۳۸</sup>
- با همه تلاش های ابن حجر برای معروف جلوه دادن عباغبی و بیان پیشینه ی معلمی و وفات او در سال ۴۲۵ق، اما نمیتواند سندی برای این مطالب ارائه دهد و خود او را مورد ستایش قرار نمیدهد. چرا که در صورت حقیقت داشتن اینها، نه خطیب بغدادی، نه ذهبی، نه ابن جوزی هیچکدام او را مجهول و ناشناخته نمی خواندند.

<sup>۳۳</sup> میزان الاعتدال ۳/ ۴۳۴

<sup>۳۴</sup> لسان المیزان ۳/ ۲۲۷

<sup>۳۵</sup> خطیب بغدادی در کتاب خود، تاریخ بغداد ۹/ ۳۴۸

<sup>۳۶</sup> تاریخ بغداد ۹/ ۳۴۸

<sup>۳۷</sup> الموضوعات ۱/ ۳۰۱

<sup>۳۸</sup> (لسان المیزان ۳/ ۲۵۰).

۱۲. روایت بعدی حدیث فضائل ناهمگون است که سیوطی از ترمذی نقل کرده:

حضرت علی ع میگویند که پیامبر ص فرمودند خدا ابوبکر را رحمت کند که دخترش را به عقد من درآورد و من را تا مدینه همراهی کرد و بلال را با ثروتش آزاد کرد ، هیچ ثروتی مثل دارایی او در راه اسلام من را کمک نرساند. خداوند عمر را هم رحمت کند که حق گو بود و حقیقت از او جدا شد ولی همراه دیگری نتوانست برای خود پیدا کند. خداوند عثمان را رحمت کند که فرشتگان از او شرم دارند، او جیش العسره را مجهز کرد و مسجد ما را انچنان وسعت بخشید که برای همه ی ما فضا ایجاد شد. خداوند علی را رحمت کند ، پروردگارا هر جایی که او رفت حق را همراهش بدار. <sup>۳۹</sup>

بررسی راویان حدیث:

- **مختار بن نافع** از راویان این حدیث است که **بخاری و نسائی و ابوحاتم** درباره اش میگویند احادیثش ناشناخته است.
- همینطور **نسائی** بار دیگر میگوید او فرد قابل اعتمادی نیست
- **ابوزرعه** احادیث او را سست و ضعیف میخواند.
- **ابن جوزی** درباره ی همین روایت میگوید: این روایت معروف به **مختار** شده و **بخاری و ابن حبان** درباره ی مختار میگوید او روایت ناشناخته ای نقل میکند. <sup>۴۰</sup>
- لذا این حدیث معتبر نیست و حقیقت ندارد.

۱۳. روایت **نوشته ای بر درختان بهشت** سیزدهمین حدیث ساختگی اهل سنت است که علمای اهل سنت از ابن عباس نقل میکنند که رسول خدا فرمود بر برگ های درختان بهشتی اینگونه نوشته شده بود که محمد رسول الله ابوبکر صدیق عمر فاروق عثمان ذوالنو. <sup>۴۱</sup>

- **ابن جوزی** این روایت را نقل کرده از **علی بن جمیل** که ابو حاتم درباره ی او میگوید : او حدیث جعل میکند و این روایت ساختگی است
- **ابو احمد بن عدی** : هیچ کس جز علی بن جمیل او را روایت نکرده و او همان است که احادیث باطل را نقل میکند و او سارق احادیث است. <sup>۴۲</sup>

<sup>۳۹</sup> (سنن ترمذی ۲۹۷/۵ حدیث ۳۷۹۸)

<sup>۴۰</sup> تهذیب التهذیب ۶۳/۱۰

<sup>۴۱</sup> (تاریخ بغداد ۲۰۷/۵)

<sup>۴۲</sup> الموضوعات ۲۵۱/۱

- ذهبی میگوید **عبدالعزیز** که از راویان این حدیث است فردی ناشناخته است و این حدیث باطل است.<sup>۴۳</sup>

۱۴. حدیث چهاردهم **خلفا در روز قیامت** از ابن جوزی روایت شده که پیامبر ص میفرماید: قیامت که بر پا میشود یکی از فرشتگان میگوید: کجایند همراهان محمد؟ در این هنگام ابوبکر و عمر و عثمان و مولا علی ع را می آورند. به ابوبکر میگویند بر در بهشت بایست و هر که را میخواهی از ورود به بهشت باز دار و هر که را میخواهی وارد کن. به عمر میگویند که بر روی ترازو هر که میخواهی سنگینی ایجاد کن و هر که را میخواهی ترازویش را سبک کن، و پیراهنی فاخر را برای عثمان میاورند که بیوشد و عصایی برای حضرت علی ع می آورند تا با آن مردم را از کنار حوض خود دور کند.<sup>۴۴</sup>

بررسی سند:

- احمد بن حسن کوفی این روایت را از **وکیع** نقل کرده که دارقطنی در باره ی او میگوید متروک است
- ابن حبان همچنین درباره ی او میگوید از افراد مورد اعتماد حدیث جعل میکرد<sup>۴۵</sup>
- همچنین ذهبی پس از نام **ابراهیم بن عبدالله** که از راویان است میگوید او دروغ پرداز است.<sup>۴۶</sup>

## نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد متوجه شدیم که :

مجموعه روایاتی که از زبان پیامبر صل الله علیه وآله اسامی خلفا و امام علی علیه السلام را به ترتیب خلافتشان بیان کرده است و مقام امیرالمومنین را پایین تر از خلفا نشان داده اند تماما جعلی و ساختگی اند. چرا که یا، راویان آنها ضعیف و به دروغ گویی متهم بوده اند، یا اینکه از روایانی نقل شده اند که سابقه دشمنی با امیرالمومنین علی علیه السلام را داشتند ، لذا نمی توان به آنها اعتنا کرد .

<sup>۴۳</sup> اللالی المصنوعه ۲۹۲/۱

<sup>۴۴</sup> الموضوعات ۳۰۲/۱

<sup>۴۵</sup> همان

<sup>۴۶</sup> میزان الاعتدال ۱۶۰/۱

## منابع

۱. الاستيعاب في معرفه الاصحاب : ابن عبد البر دار كتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۵
۲. تاريخ بغداد خطيب بغدادى دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۷
۳. تحف العقول : ابن شعبه الحرانى مؤسسه نش الاسلامى قم ايران چاپ ۴ سال ۱۴۱۶
۴. تدريبات الراوى : جلال الدين سيوطى دار الكتاب العربى بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۴
۵. تلخيص المستدرک على الصحيحين ذهبى دار المعرفه بيروت لبنان
۶. تهذيب التهذيب: اين حجر عسقلانى دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۵
۷. خصائص نسائى مجمع احياء الثقافه الاسلاميه قم ايران چاپ ۱ سال ۱۴۱۹
۸. سنن ابن ماجه : ابن ماجه قزوینى دار الجيل بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۶
۹. سنن ابى داوود : ابى داوود دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۶
۱۰. سنن ترمذى: محمد بن عيسى بن سوره ترمذى دار الفكر بيروت لبنان چاپ ۲ سال ۱۴۰۳
۱۱. الشفاء بتعريف حقوق المصطفى قاضى عياض دار الكتب علميه بيروت لبنان
۱۲. صحيح بخارى: محمد بن اسماعيل بخارى جعفى دار ابن كثير دمشق بروت يمامه چاپ ۵ سال ۱۴۱۴
۱۳. صحيح مسلم: مسلم نيشابورى مؤسسه عزالدين و دار الفكر بروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۰۷
۱۴. الكاشف عن اسماء الرجال الكتب الستة: ذهبى دار الفكر بروت لبنان سال ۱۴۱۸
۱۵. كنز العمال متقى هندی دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۹
۱۶. اللالى مصنوعه هيثمى در الفكر بيروت لبنان سال ۱۴۱۲
۱۷. لسان الميزان اين حجر عسقلانى در الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۶
۱۸. المستدرک على الصحيحين: حاكم نيشابورى دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۱
۱۹. الموضوعات اين جوزى دار الكتب علميه بيروت لبنان چاپ يكم سال ۱۴۱۵
۲۰. ميزان الاعتدال: ذهبى دار الكتب علميه بروت لبنان چاپ ۱ سال ۱۴۱۶